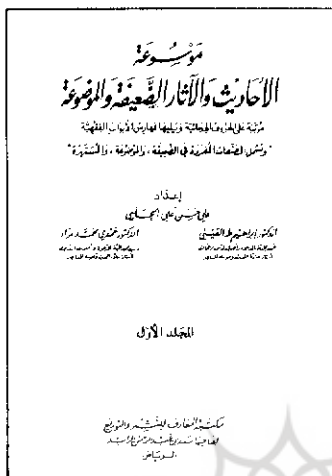


# سیر نگارش ها در احادیث موضوع

قاسم جوادی



هر قدر اطلاعات مسلمین از تحقیقات یکدیگر بیشتر شود و در مباحثات و مناظرات با یکدیگر شرکت کنند، در دفاع از اندیشه های اسلامی موفق تر خواهند بود و در مباحث درون دینی از قوت بیشتری برخوردار می شوند. به نظر می رسد موفقیات شیعه و دیگر فرقه ها اسلامی در قرن چهارم و پنجم، معلول این عوامل متعدد باشد. اندیشه های شیعی در این دوره بارور می شود. فقه، تفسیر، حدیث، اصول، کلام، رجال و... در این دوره از پویایی خوبی برخوردارند و متفکرانی نظیر: کلینی (م ۳۲۹ق)، صدوق (م ۳۸۱ق)، سید رضی (م ۴۰۶ق)، شیخ مفید (م ۴۱۲ق)، سید مرتضی (م ۴۳۶ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در این دوره می زیند و علوم شیعی را به پیش برند.

این شرایط در هر زمان که یافت شده، همان برکات را برای شیعه داشته، ولی هر زمان که ارتباط علمی شیعیان کم تر شده، از پویایی بازمانده است.

در این مقاله در پی معرفی موسوعة الاحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة- که از



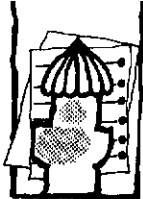
سوی اهل سنت منتشر شده - هستیم و هدف این معرفی، آن است که حوزه های شیعی با کارهای حدیثی اهل سنت آشنا شوند. این آشنایی می تواند فوایدی را در بر داشته باشد که به دو فایده اشاره می شود:

۱. عده ای از احادیث، میان شیعه و سنی مشترک است؛ اما فاصله ای که اهل سنت از عصر پیامبر تا عصر تدوین دارند با شیعه متفاوت است. شیعه یک سلسله متصل را - که همان سلسله امامان (ع) است - تا آغاز عصر غیبت و دوره تدوین کتاب الکافی در اختیار دارد. از آن جا که عوامل تحریف احادیث فقط به اهل سنت اختصاص ندارد، بسیاری از عواملی که در جعل احادیث وجود داشتند در احادیث شیعه هم وجود دارد. بنابراین، می توان از روش ها و راه هایی که اهل سنت استفاده کرده و به تنقیح احادیث پرداخته اند، بهره مند شویم.

۲. مسئله دوم - که اگر از مسئله اول مهم تر نباشد، اهمیتش از آن کم تر نیست -، این است که ما در خیلی از مباحث، از جمله مباحث مربوط به رهبری بعد از پیامبر، دیدگاه های متفاوتی با دیگر فرق اسلامی غیر شیعی داریم و در خیلی از این مباحث به نوشته های اهل سنت استدلال می کنیم. اگر اهل سنت در کتاب های متعدد خویش سندیت روایتی این روایات را زیر سؤال برده و مورد نقد قرار داده اند و روایت در نزد آنها از ارزش افتاده است، نقل چنین روایتی در منابع ما چه فایده ای می تواند داشته باشد؟ ممکن است برای یک شیعه، مفید باشد که ببیند نوشته های دیگران هم با آنچه او اعتقاد دارد هماهنگ است؛ ولی هرگز چنین نوشته ای در پاسخ گویی به دیگران یا جذب دیگران به سوی اندیشه ها شیعی تأثیر ندارد، بلکه ممکن است اثر منفی داشته باشد.<sup>۱</sup>

کتاب موسوعه الاحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة توسط آقایان علی حسن علی

۱. مطلبی که گفته شد، به مباحث رهبری اختصاص ندارد، بلکه در بسیاری از مسائل دینی چنین است. باید در مباحثات و مناظرات، مقبولات طرف مقابل را در نظر گرفت و از آنها استفاده نمود.



الحلبی، دکتر ابراهیم طه القیسی و دکتر حمدی محمد مراد در پانزده جلد تدوین یافته است. دوازده جلد از این موسوعه به ذکر احادیث ضعیف اختصاص دارد و سه جلد دیگر، فهرست احادیث است. این کتاب در سال ۱۴۱۹ق، در مکتبه المعارف للنشر و التوزیع در ریاض - سعودی چاپ شده است.

قبل از این که به معرفی کتاب پردازیم، یادآوری چند نکته، ضروری است:

۱. نویسندگان این کتاب، تقریباً گزارشگر هستند و از حدود ۷۸ کتاب که در طول قرن های متمادی درباره احادیث ضعیف نوشته شده، این احادیث را انتخاب کرده اند. چون در آن کتاب ها این احادیث، ضعیف شمرده شده اند، نویسندگان هم آن را آورده و نشانی کتاب را ذکر کرده اند. بنابراین، اگر نقدی بر کتاب وارد باشد، آن نقد متوجه منابع اصلی است.<sup>۲</sup>

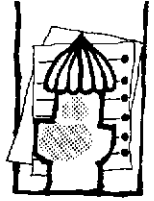
۲. هدف ما در این جا معرفی موسوعه و آنچه در موسوعه از دیدگاه نویسندگان کتاب های اصلی آمده می باشد، از این رو ممکن است حدیثی جزء احادیث ضعیف دانسته شده باشد، ولی همین حدیث، در منابع شیعی از سند خوبی برخوردار بوده و مورد پذیرش شیعه باشد، یا ممکن است حدیثی در برخی منابع اهل سنت یا برخی از فرقه های اهل سنت، ضعیف باشد و همان روایت در منبعی دیگر و نزد فرقه ای دیگر صحیح باشد. یا آن که اگر حدیث بر کتاب، عرضه شود، کاملاً موافق با قرآن و پذیرفتنی باشد. چنانکه که ممکن است، حدیثی مورد پذیرش عامه اهل سنت باشد، ولی به علت سختگیری نویسنده ای، ضعیف شمرده شده باشد.

۳. ممکن است برخی از احادیث با تاویل، قابل قبول باشند. این تاویل وقتی قابل قبول است که مبتنی بر شواهد مورد تأیید باشد.

۴. احادیثی که در بخش فضایل مورد نقد قرار گرفته اند، بخشی از آنها مربوط به

---

۲. در مقاله دیگر به معرفی منابع اصلی خواهیم پرداخت. این موسوعه، کامل نیست و کتاب های دیگری هم هستند که در موسوعه نیامده است.

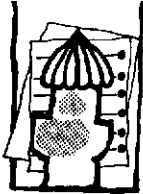


فضایل اهل بیت و امام علی(ع) هستند که مفاد بسیاری از آنها جزء اعتقادات شیعه و مورد پذیرش آنهاست. به هر حال، نویسندگان موسوعه، احادیث را از کتاب های دیگر اخذ کرده و از دیدگاه صاحبان آن کتاب ها این احادیث دارای ضعف هستند. از طرفی، با توجه به این که بسیاری از احادیث فضایل غیر اهل بیت، تضعیف شده است، به نظر نمی رسد که هدف خاصی در این زمینه وجود داشته باشد.

روایات کتاب به ۶۱ موضوع اختصاص دارد. ابتدا موضوعات را به ترتیب ذکر کرده و سپس به برخی از موضوعات - که در حوزه های شیعی بیشتر می تواند مورد استفاده قرار گیرد- با تفصیل بیشتری خواهیم پرداخت.

۱. التوحید؛ ۲. الایمان؛ ۳. السمعیان و الغیبیات؛ ۴. الانبیاء و التاریخ؛ ۵. العلم؛
۶. الشعر و الشعراء؛ ۷. الاعتصام بالسنة و ذم البدع؛ ۸. الطهارة؛ ۹. الحيض؛
۱۰. الصلوة؛ ۱۱. صلوة التطوع؛ ۱۲. المساجد؛ ۱۳. الجمعة؛ ۱۴. صلوة العیدین؛
۱۵. صلوة الاستسقاء؛ ۱۶. الکسوف؛ ۱۷. الجنائز؛ ۱۷. الزکاة؛ ۱۹. الصیام؛
۲۰. الاعتکاف؛ ۲۱. الحج؛ ۲۲. الجهاد؛ ۲۳. المغازی و السیر؛ ۲۴. الصيد و الذبائح؛
۲۵. النکاح؛ ۲۶. الرضاع و المحرمات؛ ۲۷. الطلاق؛ ۲۸. اللعان؛ ۲۹. العتق؛
۳۰. المعایش و الحرف؛ ۳۱. البیوع؛ ۳۲. الزرع و المساقاة؛ ۳۳. اللقطة؛ ۳۴. الفرائض و الوصیة؛ ۳۵. الهدایا و الهیات؛ ۳۶. النذر؛ ۳۷. الایمان؛ ۳۸. الاحکام و القضايا؛
۳۹. الحدود و العقوبات؛ ۴۰. الاشریة؛ ۴۱. الامارة؛ ۴۲. الاطعمة؛ ۴۳. اللباس
۴۴. الزینة؛ ۴۵. الطب و المرض؛ ۴۶. الرؤیا؛ ۴۷. فضائل النبی؛ ۴۸. الفضائل و المثالب؛ ۴۹. فضائل القرآن؛ ۵۰. تفسیر القرآن؛ ۵۱. البلدان و البقاع؛ ۵۲. الاوقات و الازمنة؛ ۵۳. الذکر و الدعاء؛ ۵۴. الزهد و الدقائق؛ ۵۵. الآداب؛ ۵۶. السلام؛
۵۷. البر و الصلوة؛ ۵۸. الفتن و اشرط الساعة؛ ۵۹. الیوم الاخر؛ ۶۰. الجنة و النار؛
۶۱. الکبائر.

ضمن این که تمام مباحث می تواند برای ما مفید باشد، ولی برخی از مباحث از اهمیت بیشتری برخوردار هستند: نظیر بحث های الفتن و اشرط الساعة، الاوقات و الازمنة،



البلدان والبقاع، الزهد، الفضائل و تفسیر قرآن، الاطعمه والاشربه، الفضائل والمثالث.

### أ. روایات مربوط به فتن و اشراط ساعة

فهرست احادیث این بخش، حدود ۳۲ صفحه از موسوعه را به خود اختصاص است. عناوین مباحث آن از این قرار است:

۱. علامات الساعة و بیان اقتراب وقوعها؛

۲. بیان بیع الدین بالمال؛

۳. تغییر الناس فی آخر الزمان و ذکر استدلالهم للمحرمات و ذکر ظهور الکذابین؛

۴. ظهور الآيات و ذکر اولها ظهوراً؛

برخی از روایات این بخشی:

الف) ظهور الآيات بعد الماتین (حدیث ۱۳۸۱۶)؛

ب) لا تقوم الساعة حتى تطلع الشمس من مغربها (حدیث ۱۹۲۸۶)؛

ج) يكون قوم في آخر الزمان يبيتون و يصبحون قرده (حدیث ۲۹۹۹۸)؛

۵. باب ذم المولودين بعد المثة و مدح من لم يكن له زوج او ولد و ما جاء في ذم

الاولاد في آخر الزمان؛

۶. هلاك الناس بعد المثة و ما جاء في دخول النقص على أمة الاسلام؛

۷. متى ترفع زينة الدنيا و بیان مدة الدنيا؛

الف) عمر الدنيا سبعة آلاف (حدیث ۱۴۱۹۷)؛

ب) للدنيا سبعة أيام كل يوم الف سنة (حدیث ۲۰۳۸۵)؛

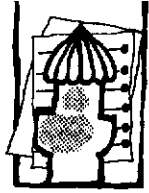
ج) ترفع زينة الدنيا سنة خمس و عشرين و مئة (حدیث ۸۰۷۹).

۸. باب فتن مخصوصة بالسنوات و الشهور و الأيام؛

۹. فيما شجر بين الصحابة؛

۱۰. خراب البلدان و أسرع الارض خراباً و أول الناس فناء؛

۱۱. ما تتابع الآيات؛



۱۲. فتح القسطنطنیة؛

- (الف) لا تقوم الساعة حتى يفتح الله على المسلمين قسطنطنیة (حدیث ۱۹۳۰۳)؛  
(ب) الملحمة العظمی و فتح القسطنطنیة و خروج الدجال فی ... (حدیث ۲۷۱۹۰)؛  
۱۳. باب خروج المهدي و نزول المسيح؛

(الف) إذا أقبلت الرايات السود من خراسان فاتوها فإنَّ فيها خليفة الله المهدي (حدیث ۱۱۹۹)؛

- (ب) لا تذهب الدنيا حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي (حدیث ۱۹۰۵۳)؛  
(ج) لا مهدي إلا عيسى بن مريم (حدیث ۱۹۵۸۸)؛  
(د) المهدي من ولد العباس عمي (حدیث ۲۷۲۱۵)؛

(ح) يأتي من ولدي السفاح، ثم المنصور، ثم المهدي، ثم الجواد (حدیث ۳۱۵۴۳)؛  
(و) يخرج المهدي من قرية باليمن يقال لها كربة (حدیث ۲۹۵۸۰).

۱۴. ما خروج الدجال و ذكر ياجوج و ماجوج و خروجهم؛

- (الف) لقد اكل الدجال الطعام و مشى في الأسواق (حدیث ۲۰۲۳۶)؛  
(ب) يخرج الدجال من يهودية إصبهان حتى يأتي الكوفة ... (حدیث ۲۹۵۷۷)؛

۱۵. بداية ظهور الفتن و التحذير من الفتن و ما جاء في العزلة و الفقر و الفرار بالدين من الفتن؛

۱۶. ذكر الدابة و ما يتعلق بها؛

۱۷. ذكر إن الإسلام بدأ غريباً و سيعود غريباً و فضل الغرباء و ذكر الطائفة المنصورة؛

(الف) إن الإسلام بدأ غريباً و سيعود كما بدأ غريباً ... (حدیث ۳۷۹۴)؛

(ب) الغريب في غربته، كالمجاهد في سبيل الله (حدیث ۱۴۶۲۹)؛

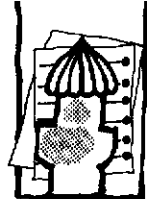
(ج) اول ما يظهر من الفتن و اول ما يدفع من الارض و ابتداء هلاك الامم.

۳. از بخش های که لازم است، تحقیقات اهل سنت ملاحظه شود، روایات قسمت مربوط به

اشراف الساعة است. در این بخش، روایاتی از اهل سنت نقل شده و بدانها استناد می شود که

لازم است کتاب های آنها دیده شده و دانسته شود آیا روایاتی که نقل شده نزد آنها مورد قبول است

و ...؟



۱۹. ذکر اخبار و قصص مستقبلية؛

الف) الخلافة ثلاثون سنة (حدیث ۱۰۳۴۳)؛

ب) تخریب المدینة قبل يوم القيامة بأربعين سنة (حدیث ۸۰۳۲)؛

ج) يخرج رجل من وراء النهر يقال له الحارث (حدیث ۲۹۵۸۶).

۲۰. ما جاء في انتقام الله - عز وجل - وعلامات النقمة؛

۲۱. في الإستعاذة من الفتن؛

۲۲. فضل المؤمن في آخر الزمان.

### احاديث اوقات و ازمينه

يكي از موضوعاتی که احاديث ضعيف آن در موسوعه آمده است، احاديث مربوط به زمان هاست. در این جا فقط برخی از روايات آن را که مربوط به عاشورا و شعبان است، ذکر می کنیم:

### احاديث عاشورا

درباره عاشور حدود ۶۰ روايت در موسوعه آورده شده که به برخی از آنها اشاره

می کنیم:

۱. إنَّ الله خلق السموات والارض يوم عاشوراء (حدیث ۴۳۹۰)؛

۲. عاشوراء، يوم التاسع (حدیث ۱۳۸۳۰۹)؛

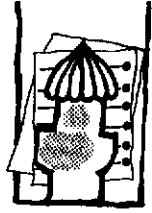
۳. صوم يوم عاشوراء، كفارة سنة (حدیث ۱۳۴۱۲)؛

۴. من وسَّع على عياله في يوم عاشوراء، وسَّع الله عليه السنة (حدیث ۲۶۷۱۲)؛

۵. فلق البحر لبني اسرائيل يوم عاشوراء (حدیث ۱۴۸۵۲).

### احاديث نيمه شعبان

مجموعه احاديثی که از این بخش در کتاب آورده شده است، ۲۸ حدیث است. از جمله:



۱ . فی لیلۃ النصف من الشعبان ، یغفر الله لاهل الارض (حدیث ۱۵۰۸۹)؛

۲ . إنما سمی شعبان لأنه یتشعب فیہ خیر کثیر (حدیث ۶۴۸۲)؛

بخش دیگر احادیث ضعیف، احادیث مربوط به شهرها و مناطق خاص از زمین است . ظاهراً انگیزه برای جعل حدیث در این موضوع، زیاد بوده است . بیانات پیامبر، بعد از قرآن، بالاترین ارزش را در نزد مسلمین داراست و هر کس سعی و تلاش می کند که شهر و وطن خویش را از دیدگاه پیامبر (ص) برترین و بالاترین نشان دهد . در بخش هایی که انگیز ساختن حدیث بیشتر باشد، دسترسی به احادیث صحیح هم مشکل می شود، حتی ممکن است برای رسیدن به منابع، گاهی به جعل سند صحیح هم دست زده باشند؛ لذا در مجموعه موسوعه صدها حدیث به عنوان احادیث ضعیف جمع آوری شد که فهرست آنها در موسوعه حدود ۲۵ صفحه است . ما ضمن ذکر عناوین مربوط به شهرها و دیگر مناطق؛ تعدادی از روایات را یادآوری می کنیم:

۱ . فضل المدینة و مكة و فضل الحجاز و ما فیها من اماکن و مقابر و غیرها؛

الف) آخر قرية من قرى الإسلام خراباً المدینة (حدیث ۱۳)؛

ب) اربع مدائن فی الدنيا من الجنة : مكة ، مدینة ، بیت المقدس و دمشق (حدیث ۲۱۶۸)؛

ج) رمضان بالمدینة خیر من ألف رمضان فیما سواها (حدیث ۱۱۵۰۸)؛

د) غبار المدینة شفاء من الجذام (حدیث ۱۴۵۵۰)؛

هـ) لا یسکن مكة آكل ربا و لا سافک دم و لا مشاء (حدیث ۱۹۸۶۹)؛

و) فتحت القرى بالسيف و فتحت المدینة بالقرآن (ح ۱۴۶۹۶)؛

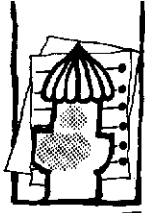
ز) من آذى أهل المدینة ، آذاه الله و علیه لعنة الله (حدیث ۲۲۹۱۶)؛

ح) من صبر على حرّ مكة ساعة من نهار ، تباعدت منه جهنم (حدیث ۲۵۰۰۱)؛

ط) من قال یشرب ، فیقل : المدینة عشر مرات (حدیث ۲۵۶۷۴)؛

ی) من مات فی احد الحرمین ، استوجب شفاعتی (حدیث ۲۶۴۷۹) .





۲ . فضل بیت المقدس و المسجد الاقصى و الصخرة و فضل الصلوة فيها؛

(الف) بیت المقدس، أرض المحشر و المنشر (حدیث ۷۷۲۶)؛

(ب) من مات فی بیت المقدس، فكانما مات فی السماء (ح ۲۶۴۸۳)؛

۳ . فضل عسقلان؛

۴ . فضل اسکندرية؛

۵ . فضل عدن؛

۶ . فضل دمشق؛

۷ . فضل حمص؛

۸ . فضل نصیبین؛

۹ . فضل انطاکیا؛

۱۰ . فضل مرو؛

(الف) جنان هذه الدنيا: دمشق من الشام و مرو من خراسان (حدیث ۹۰۷۴)؛

(ب) سيكون بعدی بعوث كثيرة، فكونوا فی بعث خراسان (ح ۱۲۴۵۴).

۱۱ . فضل البصرة؛

۱۲ . فضل بغداد؛

۱۳ . سكنى السواد؛

۱۴ . فضل اليمن؛

(الف) إني لأجد نفس الرحمن من قبل اليمن (حدیث ۶۷۸۹)؛

(ب) أنا کم أهل اليمن هم أرق أفئدة . الايمان يمان و الفقه يمان و الحكمة يمانية

(حدیث ۱۷۲)؛

(ج) إذا أكثر الفتن، فعليكم بأطراف اليمن (حدیث ۱۹۵۸).

۱۵ . فضل أحد؛

۱۶ . فضل شام و فلسطين؛

(الف) أحد و لبنان من جبال الجنة ... (ح ۷۴۵)؛



ب) الخلافة بالمدينة و الملك بالشام (حدیث ۱۰۳۴۲)؛

ج) اهل الشام سوط الله تعالى في الارض (حدیث ۶۸۸۰)؛

د) طوبى للشام، إن الرحمن لباسط رحمته عليه (حدیث ۱۳۷۵۳).

۱۷. فضل مصر و بلاد افريقيا؛

الف) مصر خزائن الله في أرضه، ما طلبها عدو إلا أهلها (حدیث ۲۲۸۱۱)؛

ب) من أحب المكاسب، فعليه بمصر؛

ج) مصر خزائن الارض كلها، من يردھا بسوء، قصمه الله (حدیث ۲۲۸۰۷).

۱۸. فضل الجبال و الأنهار و البحار؛

۱۹. فضائل مدن أو بقاع أو اماكن؛

الف) أجود خراسان، نيسابور (حدیث ۵۹۲)؛

ب) إن الشيطان أتى العراق فباض و أفرخ ثم أتى مصر (حدیث ۳۹۷۲)؛

ج) أفضل الثغور، أرض سفتوح، يقال لها قزوين (حدیث ۲۸۳۶)؛

د) تفتح مدينتان في آخر الزمان: مدينة للروم و مدينة للديلم (۸۲۴۳)؛

هـ) ينظر الله إلى أهل قزوين في كل يوم مرتين ... (حدیث ۳۰۰۹۴).

۲۰. ما جاء في أن البلاد كلها بلاد الله؛

۲۱. ذكر بعض المشاهد و القبور و غيرها مما يزداد و يتبرك به يزعم الوضاعين؛

۲۲. ذكر قبور الأنبياء و الصحابه و غيرهم و ما جاء فيها.

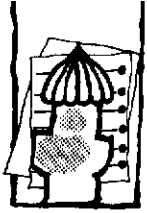
الف) جعل صورة قبر آدم و نوح - عليهما السلام - بجنب قبر علي (حدیث ۳۰۵۴۲).

\* \* \*

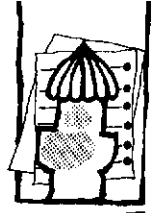
موضوع بعدی، احادیث مربوط به زهد است که فهرست احادیث آن در ۱۲۰ صفحه

کتاب آمده است. عناوین مباحث<sup>۴</sup> عبارت اند از:

۴. برای این بخش از روایات می توان تأیید قرآنی ذکر کرد؛ ولی به هر حال، بر مبنای نویسندگان کتاب هایی که موسوعه از آنها نقل کرده، روایات از نظر سند مشکل داشته اند، در عین این که برخی از روایات، حداقل از نظر اطلاق دارای مشکل بوده و قابل قبول نیستند.



- ۱ . التحذیر من الدنيا و الزهد فيها؛  
الف) دعوا الدنيا لاهلها ... (حديث ۱۰۵۶۹)؛  
ب) الدنيا قنطرة الآخرة، فاعبروها و لا تعمدوها (حديث ۱۰۷۵۹)؛  
ج) الدنيا سجن المؤمن و جنة الكافر (حديث ۱۰۷۵۵)؛  
د) لو كانت الدنيا تعدل عند الله شيئاً، ما اعطى كافرأ منها (حديث ۲۱۰۱۷).
- ۲ . باب البلاء؛
- ۳ . ذم من يحب الدنيا و الحث على الإنفاق و العطاء و بيان فضله؛
- ۴ . باب النهى عن الإدخار و ما جاء فى الكرم و السخاء و ذم البخل و البخلاء؛  
الف) طعام البخيل داء و طعام الجواد دواء (حديث ۱۳۶۹۴)؛  
ب) السخى الجهول، أحب إلى الله من العابد البخيل (حديث ۱۲۵۲۱).
- ۵ . فتنة المال و ذكر الحسد و ذمّه و التحذير منه؛
- ۶ . الحث على التواضع من غير ذل؛
- ۷ . اقسام الزاهدين؛
- ۸ . باب ذم إتباع الهوى و فضل مجاهدته؛
- ۹ . البعد عن الاغنياء و ابناء الملوك؛
- ۱۰ . الهرب من الناس؛
- ۱۱ . باب التقوى و فضلها و فضل اهل التقوى و الصلاح و ما وضع لاهلها من القبول فى الارض؛
- ۱۲ . انقطاع إلى الله و مراقبته و إحسان الظن به و بيان عظم رحمته و سعتها و فضل الثبات على الدين؛
- ۱۳ . حسن التدبير؛
- ۱۴ . فى الفقر و ما جاء فيه و فضل الفقير و الحث عليه؛
- ۱۵ . القناعة و التعفف و ذم الطمع و الامر بالتعوذ منه؛
- ۱۶ . الايثار؛



١٧ . ثواب التفكير ؛

(الف) من بلغه عن الله فضل شيء من الأعمال يعطيه عليها ثواباً (حديث ٢٣٩٨١) ؛  
(ب) تفكر ساعة في اختلاف الليل والنهار ؛ خير من عبادة الف سنة (حديث ٣٠٥٢٠).

١٨ . الاخلاص ؛

(الف) من اخلص لله اربعين يوماً ، ظهرت ينابيع الحكمة من قلبه ؛  
(ب) النية الصادقة ، معلقة بالعرش (حديث ٢٣١٤٥).

١٩ . ذم العجب ؛

٢٠ . الأمل و اغتنام الاوقات و العمل الصالح ؛

٢١ . اليقين و التوكل ؛

٢٢ . الصدق و الأمانة ؛

٢٣ . الورع ؛

٢٤ . الخوف من الله و وجوب الابتعاد عن المحرمات ؛

(الف) من خاف الله ، أخاف الله منه كل شيء (حديث ٢٤٤٢٠) ؛

(ب) اخرجوا من النار من ذكرني يوماً ... (حديث ٢٩٨٤٧).

٢٥ . الخشية و البكاء من خشية الله و من حبه و ما جاء من البكاء ؛

٢٦ . الرفق و لين الجانب ؛

٢٧ . الرضا و السخط و ما جاء في شكر النعم و الرضا بإمر الله ؛

٢٨ . الغيبة و النميمة ؛

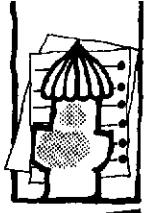
٢٩ . صفة الاولياء ؛

(الف) صاحب القمصين ، لا يجد حلاوة العبادة (حديث ١٢٩٠٠) ؛

(ب) المؤمن سريع الغضب ، سريع الرجوع (٢٦٨٩٨) ؛

(ج) ليدخلن الجنة الأحقق في معيشته ، التاجر في دينه (حديث ٢١١٦٨) ؛

(د) المؤمن ، مرآة المؤمن .



۳۰. فضل طول العمر و حسن العمل و الحثّ علی الإكثار من العمل و التزود منه ؛

(الف) إنّ الله يحب أبناء الثمانين (حديث ۴۲۹۵) ؛

(ب) إنّ الله يحب أبناء السبعين (حديث ۴۲۹۶) ؛

(ج) إنّ الله يباهى ملائكته بالشابّ (حديث ۴۲۸۸) ؛

(د) إنّ الله يستحيى أن يعذب شيبة (حديث ۴۷۰۵) ؛

(هـ) تعرض الاعمال يوم الاثنين و الخميس على الله (حديث ۱۸۱۸).

۳۱. ذكر الموت و الاستعداد له و الحثّ على الإكثار من ذكره ؛

(الف) الناس نيام ، فإذا ماتوا انتبهوا (حديث ۲۸۰۰۲).

۳۲. من علامات حب الله تعالى للعبد و رضاه عنه و ذكر ما يوجب محبته و ما يحبه

من اعمال ؛

۳۳. التوبة و الحثّ على المبادرة إليها و المبادرة إلى فعل الحسنات ؛

۳۴. في ذكر الهم و الغم و ثوابه ؛

۳۵. الإحسان و مكافاته ؛

۳۶. وجوب الحذر من الشيطان و مكائده ؛

۳۷. فضائل الاعمال ؛

(الف) من أدى فريفته ، فله دعوة مجابة (حديث ۲۳۲۱۶) ؛

(ب) من نظر إلى البحر ، فله بكل نظرة حسنة (حديث ۲۶۶۳۴).

۳۸. في البناء و أحكامه و آدابه و ما يتعلق به ؛

۳۹. التمني و ما يجوز منه و ما ينهى عنه ؛

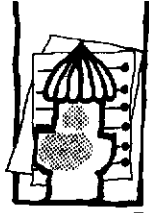
۴۰. ما جاء في فضل العبادة و إنّ الأمر على قور المشقة و ذكر الرخصة و الاخذ بها ؛

(الف) أفضل العبادة ، أحمرها (حديث ۲۸۶۷) ؛

(ب) أفضل العبادة آخرها (حديث ۲۸۶۹) ؛

(ج) أفضل العبادة أخفها (۲۸۷۰) ؛

(د) الضرورات ، تبيح المحظورات (حديث ۱۳۶۶۳).



۴۱. فی هداية الله تعالى لعباده و تسويده لهم و إن القلوب بيده ؛

۴۲. التعفف عن سؤال الناس ؛

۴۳. ما جاء من اجتماع الحرام و الحلال ؛

۴۴. الترهيب من احتقا و الذنوب ؛

۴۵. ما جاء في عدم التعرض للبلاء .

\* \* \*

یکی دیگر از مباحثی که در موسوعه به آن پرداخته شده، روایات مربوط به فضایل قرآن و تفسیر آن است. مهم ترین منبعی که در اختیار مسلمین قرار دارد، قرآن کریم است و چون قرآن خود مصون از تحریف است و امکان تحول در آن نبوده است، در روایات بسیاری جعل و وضع نسبت به قرآن صورت پذیرفته است و در هر یک انگیزه خاصی وجود داشته است. برخی برای دور کردن مسلمانان از قرآن بوده و برخی برای جذب افراد به قرآن تلاش نموده و به جعل روایت پرداخته اند. فهرست این گونه روایات ۸۰ صفحه مجموعه را به خود اختصاص داده است.

۱. فضل القرآن ؛

الف) آية من القرآن، خير من محمد و آله (حدیث ۶۱) ؛

ب) فضل العبادة قراءة القرآن (حدیث ۲۸۷۶) ؛

ج) خذوا من القرآن ما شتمتم لما شتمتم (حدیث ۹۸۳۸) ؛

د) طوبى لاهل السنة و الجماعة من اهل القرآن و الذكر (حدیث ۱۳۷۵۰) ؛

هـ) القرآن هو الدواء (حدیث ۱۶۱۰۶) ؛

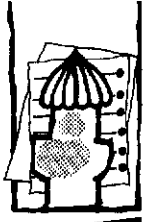
و) من قرأ ثلث القرآن، أعطى ثلث النبوة و ... (حدیث ۲۵۷۹۵).

۲. فضل سورة مخصوصة ؛

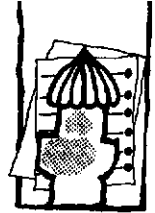
الف) إذا زلزلت، تعدل نصف القرآن و قل يا ايها الكافرون، تعدل ربع (حدیث

۱۵۴۹) ؛

ب) شيتنى سورة هود و اخواتها؛ الواقعة و القارعة و الحاقة (۱۲۷۸۲) ؛



- (ج) شيبتى هود و أخواتها؛ الواقعة و الحاقة و إذا الشمس ١٢٧٨٤؛
- (د) علموا نساءكم سورة الواقعة، فإنها سورة الغنى (حديث ١٤٠١٩)؛
- (هـ) فاتحة الكتاب، شفاء من السم (حديث ١٤٦٧٩)؛
- (و) لكل شيء عروس و عروس القرآن، الرحمن (حديث ٢٠٣٣٩)؛
- (ز) لكل شيء سنام و إن سنام القرآن سورة البقرة و ... (حديث ٢٠٣٣٥)؛
- (ح) من قرأ سورة المنافقين، برا من النفاق (حديث ٢٥٨٨٧)؛
- (ط) يس، قلب القرآن (حديث ٢٩٦٨٩).
٣. فضل آيات مخصوصة؛
٤. ثواب من حفظ القرآن و فضل حامله و وجوب اكرامه؛
- (الف) لا يحرق قارئ القرآن (حديث ١٩٧٣٦)؛
- (ب) عدد آية الجنة، عدد آي القرآن ... (حديث ١٣٨٧٨).
٥. إثم من حفظ القرآن ثم نسيه و الامر بتعاهد القرآن؛
٦. التلحين فى القرآن و تحسين الصوت به؛
٧. فضل استماع القرآن؛
٨. الحزن و البكاء عند سماع القرآن و تدبره؛
٩. إن القرآن نزل على سبعة أحرف و ما شابه ذلك؛
- (الف) أنزل القرآن على ثلاثة أحرف (حديث ٦٣٣٢)؛
- (ب) أنزل القرآن على سبعة أحرف ... (حديث ٦٣٣٥)؛
- (ج) أنزل القرآن على عشرة أحرف ... (حديث ٦٣٣٦).
١٠. القراءات؛
١١. ثواب تلاوة القرآن و الحث على الإكثار من قراءته فى البيت؛
١٢. عقوبة من شكوا الفقر و هو يحفظ القرآن؛
١٣. حق القارى فى بيت المال؛
١٤. إفاقة المجنون بقراءة القرآن عليه و الحث على قراءة القرآن على المرضى؛



۱۵. القرآن کلام الله غير مخلوق و التحذير من القول بخلقه؛

الف) القرآن کلام الله تعالى و ليس بمخلوق (حدیث ۱۶۰۹۵)؛

ب) کلام الله قديم غير مخلوق (حدیث ۱۸۳۲۳)؛

ج) من قال القرآن مخلوق، فهو كافر (حدیث ۲۵۵۷۵).

۱۶. النظر في المصحف و فضله و ما جاء في المصاحف و احكامها و ما يتعلق بها؛

۱۷. التحذير من الاختلاف في القرآن أو ضرب بعضه ببعض أو تفسير بالرأى؛

الف) إني أخاف على امتي اثنتين: القرآن و اللبن (حدیث ۶۷۴۵)؛

ب) من فسّر القرآن برأيه و هو على وضوء، فليعد وضوءه (حدیث ۲۵۵۰۵)؛

ج) يأتي على الناس زمان، يرسل إلى القرآن، فيرفع من الأرض (حدیث ۲۹۳۹۴).

۱۸. قراءة سور و آيات مخصوصة في ازمته و امكنة و احوال معينة؛

۱۹. أخذ الأجر على القرآن و الأكل به؛

۲۰. قراءة القرآن على الاموات؛

۲۱. آداب قراءة القرآن و احكامها؛

۲۲. في ذكر الوحي و احواله و ما يتعلق به.

در بخش تفسیر قرآن از سوره حمد تا سوره ناس، تک تک سوره ها را ذکر نموده و روایاتی را که به نظر نویسندگان کتاب های ۷۸ گانه، ضعیف یا موضوع بوده، ذکر می نمایند.

یکی دیگر از کتاب هایی که جعل زیادی در آن راه پیدا کرده است، کتاب های اطعمه و اشربه است.

احادیث هر دو کتاب، حدود ۷۰ صفحه را به خود اختصاص داده است. عناوین مطالب، حدود ۸۰ عنوان است که در این بخش، برخی از عناوین و روایات را ذکر می کنیم.

۱. آداب الطعام؛

برخی از روایات که در این بخش از آنها با عنوان احادیث ضعیف یاد می شود، روایاتی





است که الفاظ فارسی در آنها به کار رفته است :

الف) العنب دو دو، التمریک یک (حدیث ۱۴۵۲۰)؛

ب) العنب دو دو، یعنی مثنی مثنی، و التمریک، یعنی واحدا (حدیث ۱۴۵۲۴).

۹. باب فضل السفرجل؛

الف) کلوا السفرجل؛ فإنه یجلی عن الفؤاد و یذهب بطحاء (حدیث ۱۸۳۷۳).

۱۳. فضل الرمان؛

الف) من اكل رمانة بقشرها حتى يستتمها، انار الله قلبه ... (حدیث ۲۳۷۱۸).

۱۴. فضل البطیخ؛

الف) إن البطیخ ماؤه رحمة و حلاوته مثل حلاوة الجنة (حدیث ۳۸۱۸).

۱۵. فضل العنب؛

الف) ايكفر بى وانا خالق العنب (حدیث ۱۵۱۹۳).

۱۶. فضل الملح؛

الف) عليكم بالملح، فإن فيه شفاء من سبعين داء (حدیث ۱۴۱۶۲)؛

ب) سيد الادام، الملح (حدیث ۱۲۴۱۰).

۲۰. فضل الباذنجان؛

الف) کلوا الباذنجان، فإنها شجرة رابتها في جنة الماوى ... (حدیث ۱۸۳۵۹)؛

ب) کلوا الباذنجان و أكثروا منه، فإنه أوكل شجرة أمنت بالله (حدیث ۱۸۳۶۰)؛

ج) إنما الباذنجان شفاء من كل داء، ولاداء فيه (حدیث ۶۴۳۲).

آخرین بخشی که به آن می پردازیم، روایات مربوط به فضایل و مناقب است؛ بخشی که بیشترین انگیزه و منابع برای جعل در آن وجود داشته است. هر طیف، فرقه، مذهب و گروهی برای آن چه بدان معتقد بوده است، حدیث ساخته تا گروه خود را از همه گروه‌ها بهتر و برتر معرفی کند. آن قدر در این بخش، حدیث ساخته شده که آن چه پیامبر فرموده، در لابه لای این احادیث ساختگی گم و یا لااقل کم رنگ شده است؛ لذا مهم ترین بخش احادیث موضوع، این قسمت است. تلاش فراوانی لازم است تا آن چه ساخته شده، از



آن چه واقعیت دارد و پیامبر فرموده، متمایز شود و تا حدودی به بیانات پیامبر نزدیک شویم. این بخش، شامل حدود ۱۲۰ صفحه بوده و دارای ۵۲ باب است:

#### ۱. ذکر ابی بکر الصدیق؛

(الف) ارحم امتی بامتی ابوبکر (حدیث ۲۲۰۹)؛

(ب) ابوبکر منی و انا منه، و ابوبکر اخی فی الدنیا و الآخرة (حدیث ۱۴۹)؛

(ج) إن أعظم الناس علی منة، ابوبکر الصدیق، زوجنی إبتته (حدیث ۳۷۵۱)؛

(د) حب ابی بکر و شکره، واجب علی امتی (حدیث ۹۲۰۶).

#### ۲. باب ذکر عمر بن الخطاب؛

(الف) اتقوا غضب عمر، فإن الله بغضب إذا غضب (حدیث ۳۳۳)؛

(ب) رضا عمر رحمة و سخطه عذاب (حدیث ۱۱۴۵۶)؛

(ج) عمر سراج امتی (حدیث ۱۴۲۰۴۲)؛

(د) لو بعث الله نبیاً بعدی، لبعث عمر (حدیث ۲۰۵۴۴)؛

(هـ) ما طلعت الشمس علی رجل خیر من عمر (حدیث ۲۱۰۱۷)؛

(و) من أبغض عمر فقد أبغضنی و... (حدیث ۲۲۹۴۵).

#### ۳. با ذکر ابی بکر و عمر؛

(الف) ابوبکر و عمر منی، بمنزلة هارون من موسى (حدیث ۱۵۶)؛

(ب) ابوبکر و عمر خیر الأولین و خیر الآخرین و خیر أهل السموات (حدیث ۱۵۲)؛

(ج) خیر امتی بعدی، ابوبکر و عمر؛

(د) حب ابی بکر و عمر من الايمان، و بغضهما كفر (حدیث ۹۲۰۹)؛

(هـ) والله، أن إمارة إبی بکر و عمر فی الكتاب (حدیث ۲۸۳۸۲).

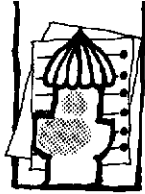
#### ۴. ذکر عثمان بن عفان؛

(الف) انا مدينة العلم و ابوبکر و عمر و عثمان سورها (حدیث ۶۲۴۴)؛

(ب) الحياء من الايمان و احيى امتی عثمان (حدیث ۹۷۸۱)؛

(ج) ما زوجت عثمان ام كلثوم، الأیوحى من السماء (۲۱۸۵۲)؛

(د) عثمان بن عفان ولی فی الدنیا و ولی فی الآخرة (حدیث ۱۳۸۵۵).



۵) ذکر ابی بکر و عمر و عثمان؛

الف) ابوبکر وزیری، يقوم مقامی و عمر ينطق بلسانی، و انا من عثمان، عثمان منی (حدیث ۱۵۱).

۶. ذکر علی بن ابی طالب<sup>۵</sup>

الف) ارحم امتی بامتی ابوبکر و اقضاهم علی (حدیث ۲۲۱۲)؛

ب) امیر النحل علی (حدیث ۳۵۶۳)؛

ج) علی اصلی و جعفر فرعی (حدیث ۱۴۰۵۱)؛

د) لا یحل لاحد ان یجنب فی هذا المسجد غیرى و غیرك (حدیث ۱۹۷۵۰).

۷. ذکر الخلفاء الاربعة؛

الف) ابوبکر خیر امتی و ارحمها و عمراً غیرها و عثمان احیایها و علی ابهاها (حدیث ۱۴۷).

۸. ذکر الحسن و الحسین؛

۹. فضل اهل البيت؛

۱۰. فضل فاطمه؛

۱۱. فضل محبة آل البيت؛

۱۲. الوصية بالعترة؛

۱۳. فضائل امهات المؤمنین؛ *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

*رتال جامع علوم انسانی*

۱۴. ذکر فاطمه بنت اسد؛

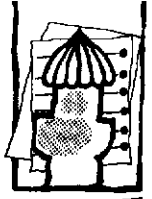
۱۵. فضل عبدالرحمن بن عوف؛

۱۶. ذکر معاویه؛

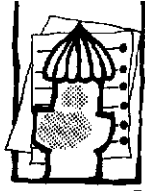
الف) اذا رايتم معاويه على منبري، فارحموه (حدیث ۱۵۱۷)؛

ب) إذا رايتم معاويه يخطب على منبري فاقتلوه (حدیث ۱۵۲۱)؛

۵. احادیث فضایل امام علی(ع) در این جا بر اساس منابع اهل سنت و حدیث های موجود در کتاب های ایشان به نقد کشیده شده است؛ ولی خیلی از احادیث درباره امام علی(ع) یا امام حسن(ع) و امام حسین(ع) یا حضرت فاطمه(س) و ... در منابع شیعه با اسنادی صحیح وجود دارد که دلالت بر فضایل می کند.



- (ج) معاوية أحلم أمتى واجودها (حديث ۲۲۸۳۳)؛  
(د) يبعث معاوية يوم القيامة و عليه رداء من نور الايمان (حديث ۲۹۴۷۵)؛  
(هـ) يا معاوية، كساك الله من حلال الجنة وزينك بزينة الإيمان (حديث ۲۹۲۳۲).  
۱۷. فضائل لافراد من الصحابة والتابعين وغيرهم؛  
۱۸. فضل العباس و اولاده؛  
الف) تحريم ولد العباس على النار (حديث ۷۹۹۷)؛  
ب) العباس منى و انا منه (حديث ۱۴۳۵۸)؛  
ج) العباس وصيى و وارثى (حديث ۱۴۳۵۹)؛  
د) العباس بن عبدالمطلب أبى و عمى و وصى (حديث ۱۴۳۵۶)؛  
هـ) اوّل قرشى اسلم العباس (حديث ۳۰۴۶۴)؛  
و) (عن ابن عباس) منّا السفاح و منّا المنصور و منّا المهدي (حديث ۳۱۴۵۹).  
۱۹. فضل الصحابة و وجوب اكرامهم؛  
۲۰. فضل المهاجرين؛  
۲۱. فضل الانصار؛  
۲۲. فضل العرب و العربية؛  
الف) حب العرب إيمان و بغضهم نفاق (حديث ۹۲۱۷)؛  
ب) بغض الموالى للعرب نفاق (حديث دح ۷۶۹۳)؛  
ج) العرب سادات العجم (حديث ۱۴۳۹۶).  
۲۳. ذكر قريش؛  
۲۴. ذكر النبط؛  
۲۵. ذكر الحبشه و السودان؛  
۲۶. اويس القرنى؛  
۲۷. ذكر على و عمار و سلمان؛  
۲۸. فضل بنى هاشم؛  
۲۹. فضل عبدالله بن عباس؛



- ۳۰ . ذکر یزید بن معاویه؛
- ۳۱ . ذکر الولید؛
- ۳۲ . ذکر خلفاء بنی العباس؛
- ۳۳ . ذکر بنی امیه؛
- ۳۴ . ذکر علی بن الحسین؛
- ۳۵ . ذکر الحسن البصری؛
- ۳۶ . ذکر وهب بنی منبه؛
- ۳۷ . ذکر ابی حنیفه و الشافعی و مالک؛
- الف) سراج امتی ابوحنیفه؛
- ب) عمر سراج امتی .
- ۳۸ . ذکر محمد بن کرام؛
- ۳۹ . ذکر القبائل و طوائف معینہ؛
- ۴۰ . فضل امة محمد (ص)؛
- ۴۱ . فضل المتأخرین من هذه الامة؛
- ۴۲ . ذم افراد معینین؛
- ۴۳ . ذم قتلة اهل البيت؛
- ۴۴ . ذکر جماعة من النساء؛
- ۴۵ . ذکر طلحة؛
- ۴۶ . فضل جماعة من الصحابة؛
- ۴۷ . فضائل و مناقب الفرس و الفارسية و ذکر اللغات؛
- ۴۸ . ذکر القبط و الترك و غیرهم من الشعوب؛
- ۴۹ . ذکر من ادعوا الصحبة و لیست لهم؛
- ۵۰ . ذکر ما جاء فی بعض الصفات مدحاً أو ذمّاً؛
- ۵۱ . ذکر اليهود و النصارى؛
- ۵۲ . ذکر بعض الحيوانات .